

### متن پرسش

سلام علیکم: این مسئله بنظر سؤال خیلی ها باشد: فیلمی از صحبت های رهبری در مورد آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی هست که لینک آن را می‌گذارم. در این فیلم رهبر انقلاب حفظه الله چند نکته می‌فرمایند که جوانان امروز نیاز به چنین شخصیت هایی دارند و تشنه اند و یا حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در مورد میرزا با تاسف می‌فرمایند متاسفانه سرم گرم آن چیزها بودم و نتوانستم از محضر ایشان خیلی مستفیض شوم (زیرا بدنبال عرفان نظری بیشتر بودم) و ... سئوالی که پیش می‌آید چند است: چرا ماها مثل مردم زمان جناب میرزا وقتی می‌فرمودند ای مردم خدا غفار است و چند تن غش می‌کردند نیستیم یا مثل جناب علامه طباطبایی رضوان الله علیه که آن همه شور و آشوب پس از جذبۀ ایشان را فرا گرفت و بسیار بود! مسئله بر سر خراباتی یا مناجاتی شخص های قدسیه نیست، مسئله بر سر این است چقدر مگه شرایط ما بد شده که اون حالات با اون درجه ظهور ندارند و ظرفیت ما چگونه است پس؟ و اینکه رهبری می‌فرمایند به چنین شخصیت های نظیر ایشان نیاز داریم! عجیب نیست که آنهایی که مطرح چنین عرفانی بودند هم از دنیا رحلت کردند و درواقع کسی خاص به آن شکل در این دنیای بزرگ و وسیع معروف نیست تا مامنی باشه برای مردم، هرچند آیت الله بهجت فرمودند استاد زمان ما کتاب ها و خود مائیم. نمی‌توانم جمع کنم این دو را که چگونه شرایطی قرار است در تاریخ جدید پیش آید و چه بشود و اصلا سلوک هرچه پیش رویم دقیقا چگونه خواهد بود؟ یا مثلا افرادی مثل شهید بهشتی یا آوینی که هیچ‌کدام ظاهرا چنین بنایی مثل قدیمیها نداشتند و در رجوعشان به خلق و وظیفه تربیتی شان گویا چنین نکرده اند! آنچه در تاریخ جدید پیش می‌آید پس چگونه است؟ اصلا چطور ظرفیتی مناسب ماست یا؟ گویا حضرت امام در کلام خود شرح مراتب نفس و عالم را می‌دهند یا شرح جنود عقل و جهل و یا مشابهم! در جایی فرمودید رجوع به طلاب زیاد خواهد شد! یا در جایی فرمودید هرکس از کثرات دنیا خود را آزاد کند در دل انقلاب اسلامی ندایی آنرا مورد خطاب قرار دهد. هیچ نمی‌دانم بالاخره چگونه است این تربیت نفوس در حالی که قطعا حضور واسطه و راه رفته در عالم لازم است. بنده که نتوانستم بفهمم یک آدم در این کثرات و شدت دوری از سلامت نفس در این دوران چگونه می‌خواهد متوجه چنین چیزهایی شود، نمی‌گویم نمی‌شود بحث سر چگونگی رجوع بنده نیازمند به شخصیتی است که باید با همه لوازم باشد.

<https://aspb2.asset.aparat.com/aparat-video/df1f0408fd75c9e76aff330157e039141214526.mp4?wmsAuthSign=eyJhbGciOiJIUzI1NiIsInR5cCI6IkpXVCJ9.eyJ0b2tlbil6IjA5MGMzNDIyZTJjNDJmNGFkZGJlYzVkMmJkNDkxY2UyYyYyZWZlZjoxNjY3Mz>

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرفان نظری به عنوان مباحث صرفاً عقلی توان به شور آوردن ایمان را در جان آدمی ندارد هرچند شامل معارف گرانقدری است. ولی طرح عرفان نظری در فضایی که انسانها در میدان حضور در محضر حضرت حق قرار گیرند، در بسیاری موارد لازم است و همین امر منجر شد تا حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» در اواخر عمر بحث شرح سوره حمد را به روش عرفانی به میان آورند. آری! اگر بدانیم افقی در پیش است، افقی که شهدا متوجه و متذکر آن شدند؛ «خود راه بگویدت که چون باید کرد» دیگر این جا باید قدم در راه گذاشت و همچنان رفت تا در همین رفتن ها پیش آید آنچه باید پیش آید. موفق باشید